

CALL No. { ۲۹۱۶۵۳ } ۱۷ م ACC. No. ۷۹۰ ۶

AUTHOR

TITLE مجموعہ لغات العربیہ و اسماء فارسیہ و کلمات
و زبان مشرق



MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

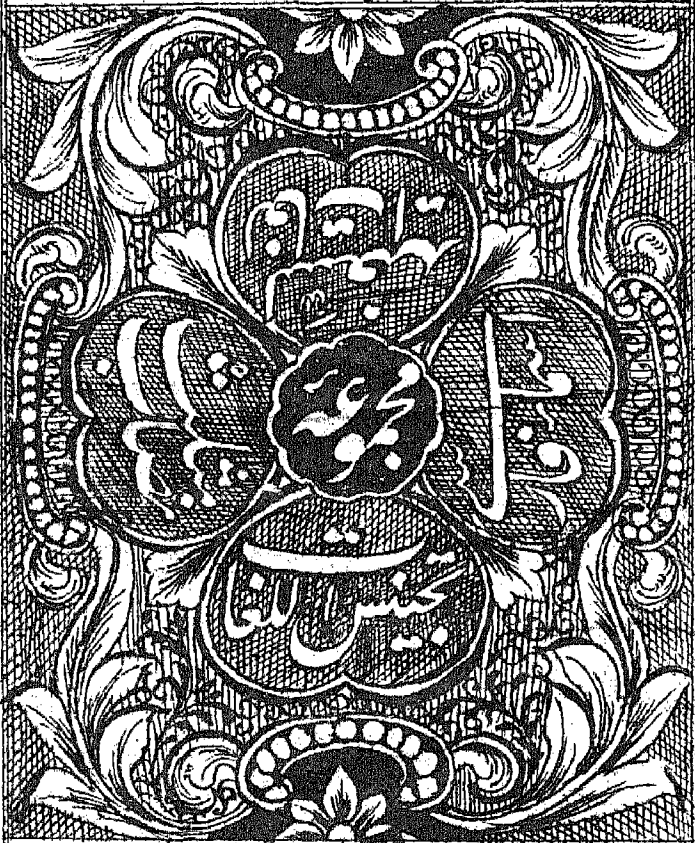
RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

[illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

37



در سطحی که می توان از آن سیر کرد و از آن سیر کرد

PE7306

بسم الله الرحمن الرحيم

پہلے جانو نام خدا اس
دوسرے زیلون کی اس
تاریخ کو

ایم ایف پی
ایم ایف پی

شیخ الاسلام

کتابت در مسجد جامع

صاحب یار دو سویت جو دیو کیو
نقشہ گشت کشمیر سے جانی
ایک دست بند دو سویت
دو سویت دو سویت
چار سویت اور تین سویت
چار سویت

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

صانع و کردگار دان کرنا
چون گرد و مرشد است چه پرس
چون سپاسناست عالم را
بیعی و مبت و ابنه دان را
خواهر و اخت بهن نام را
سیب و دستار پاکیزه را
سقف و محراب و طعنی را
بطل گوئی کرده قوم را
پیر بقی و کنار چه سحر را
نام کوزه سب و گهر امید را
لوزن و صیغ نیست فاصدنگ را

زین پروردگار پالن مدار
 ان رسول و پیغمبر
 آب پدر باب اقم و مادر
 ولد و این پوت پور
 اخ برادر هندی بی بھائی
 جامه و ثوب چو لینا داسے
 زیر جامه از اردان سر وال
 بابا باشد ره و طریق و سبیل
 ہانڈی و دو گنہ طنج و قدر سبت
 عاشق و چھو ڈوئی سبت بدان
 قدم و رچل پای پانوں چرن

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

در قشک جان و دین و جان و دین و جان و دین
 در قشک جان و دین و جان و دین و جان و دین
 در قشک جان و دین و جان و دین و جان و دین
 در قشک جان و دین و جان و دین و جان و دین

هندوی سوه فریه ست سیمین
 پرچاپین ست نام سیه و سطل
 چون شیتا لنگه کعب شینه نگر
 پس رکاز دست کفر و پیر چه گنج
 همچو مٹی ست نام قنصه و مشیت
 پیٹھ برا ظفر و پشت سے خواخند
 آگ نار آتش آب مایا پالے
 دو و باشد هندوی دھو فوان
 سبلیت و موچه را بروت بدان
 مزه طعم و سواد و دوق حیش چکته
 حامض و تریش را بگو کہیں
 تلخ را مگر گوی در کپڑا نہیں
 پس رخت و عفن کس سبلیت تیر
 چاند و تیز ست چر پرا پارا
 نفہ و ہمزه تو پھیکا خوان
 سبز باشد ہیرا و ہم قنصہ
 انہن دھم کہو و دان نیلا

درک در ویت چو ترست سیرین
 فخر و ران ہندوی ساہنٹل
 رانور کہ نام گھنٹہ شمسہ
 نام گھنٹی ست مرقق و آریخ
 اسم انگلی ست اصبع و انگشت
 چھاتی و صدر سینہ را دانند
 ناصیہ ماتھہ چہ پشاپنے
 دنج و مچھوم ہم نخاس دغان
 دایہی و ریش را محاسن ان
 شعر و مو بال ظفر ناخن گھنہ
 عذب و شیرین جلتو چہ پیٹھا
 قاض و زینت انہلین ست یکھنر
 ہم و چر چپکناہنٹگر
 مالج و شور ہندو سے کھارا
 پس سلونا ملیج نکھین دان
 لال و رتلا ست سرخ ہم اچھر
 اصفر و زرد ہندو سے پیلا

در قشک جان و دین و جان و دین و جان و دین
 در قشک جان و دین و جان و دین و جان و دین
 در قشک جان و دین و جان و دین و جان و دین
 در قشک جان و دین و جان و دین و جان و دین

در قشک جان و دین و جان و دین و جان و دین
 در قشک جان و دین و جان و دین و جان و دین
 در قشک جان و دین و جان و دین و جان و دین
 در قشک جان و دین و جان و دین و جان و دین

ان کے لئے کیا ہے؟

اسود و ہم سیاہ کالاوان
 راجہ راج و شمشیر بوی چه باس
 تن بد بوی چیست باس بر
 مریک قهر آنکھ کی ستی
 کہو پڑی قہر سفت سر باشد
 شمشیر و زمرہ کان کے بوی
 بیخ دندان مسوڑہ لہشہ بوز
 ہیمارا نام چیست مغزو دماغ
 نک کلہ ہندو سے جیڑا
 چیست پٹا بگونی سرت عصب
 عرق درگ پس وید شیان ہم
 کوشب و لحم و ہڑا و باس است
 شمشیر و ہمن بود چہ
 دم و خون نام کو ہواست رکت
 نیرو و قوت زور تاب پیران
 عنصر و اشج نام تہست
 بلغم اندر دری دہند سے گھٹ

عقل یگانه کان چت مینا
بیسوکه تین دی یاز
موتس پیکر دین
عزت بی برهیک بجان
پیران قولا شادیت بینا
ایک سنان

نروماه چاند و سیم هلال
 قمری و شمس و کوکب و نهر
 هست کیوان ز بل سینه نام
 بده رانیره هم عطارد گوی
 چون سماک سما فلک شناس
 جانب طرف سمت و جهت
 هست تمام و قبل پیش آگوه
 راست نیست پین را بان
 فوق بالا بر سر از او بر
 تحت یخی شیب پائین زیر
 خالص جهت و عین و بعض نرا
 سنده و عام و حول و حوال
 شهر و راه و سینه چادر و ماس
 و در و دیوار و در و دیوار
 قنبر و شمس و نصیب و خط بهره
 ساعت و چین و نوبت و آبان
 سحر و بیدار و خسر و صباح

در کمی گوی بدردان به سال
 روشن استاره تارچه آتش
 با چو میخ مشک و بجم ام
 زهره ناهید نام سحر و سحر
 آسمان و سپهر و چرخ اکامرس
 سوی اورباندی و گنیز آسمت
 خلف و بعد پس پسین با چو
 میسر و چون شال و حجب با بان
 هست چون بانج و جواب او تر
 نکت و نکت و درنگ و در
 گمانند و گمانی هم چه در
 برین صورت بت و صنم مثال
 رینو بنیاد و بن بنای آکاس
 شب و شبگیر و لیل و رین چو نس
 حصه و فوز و نخب و خنجره
 بار و بنگام و وقت و آن و زبان
 سلخ و شام است چون مسا و رطل

سحر و بیدار و خسر و صباح
 قمری و شمس و کوکب و نهر
 هست کیوان ز بل سینه نام
 بده رانیره هم عطارد گوی
 چون سماک سما فلک شناس
 جانب طرف سمت و جهت
 هست تمام و قبل پیش آگوه
 راست نیست پین را بان
 فوق بالا بر سر از او بر
 تحت یخی شیب پائین زیر
 خالص جهت و عین و بعض نرا
 سنده و عام و حول و حوال
 شهر و راه و سینه چادر و ماس
 و در و دیوار و در و دیوار
 قنبر و شمس و نصیب و خط بهره
 ساعت و چین و نوبت و آبان
 سحر و بیدار و خسر و صباح

در کمی گوی بدردان به سال
 روشن استاره تارچه آتش
 با چو میخ مشک و بجم ام
 زهره ناهید نام سحر و سحر
 آسمان و سپهر و چرخ اکامرس
 سوی اورباندی و گنیز آسمت
 خلف و بعد پس پسین با چو
 میسر و چون شال و حجب با بان
 هست چون بانج و جواب او تر
 نکت و نکت و درنگ و در
 گمانند و گمانی هم چه در
 برین صورت بت و صنم مثال
 رینو بنیاد و بن بنای آکاس
 شب و شبگیر و لیل و رین چو نس
 حصه و فوز و نخب و خنجره
 بار و بنگام و وقت و آن و زبان
 سلخ و شام است چون مسا و رطل

سحر و بیدار و خسر و صباح
 قمری و شمس و کوکب و نهر
 هست کیوان ز بل سینه نام
 بده رانیره هم عطارد گوی
 چون سماک سما فلک شناس
 جانب طرف سمت و جهت
 هست تمام و قبل پیش آگوه
 راست نیست پین را بان
 فوق بالا بر سر از او بر
 تحت یخی شیب پائین زیر
 خالص جهت و عین و بعض نرا
 سنده و عام و حول و حوال
 شهر و راه و سینه چادر و ماس
 و در و دیوار و در و دیوار
 قنبر و شمس و نصیب و خط بهره
 ساعت و چین و نوبت و آبان
 سحر و بیدار و خسر و صباح

سحر و بیدار و خسر و صباح
 قمری و شمس و کوکب و نهر
 هست کیوان ز بل سینه نام
 بده رانیره هم عطارد گوی
 چون سماک سما فلک شناس
 جانب طرف سمت و جهت
 هست تمام و قبل پیش آگوه
 راست نیست پین را بان
 فوق بالا بر سر از او بر
 تحت یخی شیب پائین زیر
 خالص جهت و عین و بعض نرا
 سنده و عام و حول و حوال
 شهر و راه و سینه چادر و ماس
 و در و دیوار و در و دیوار
 قنبر و شمس و نصیب و خط بهره
 ساعت و چین و نوبت و آبان
 سحر و بیدار و خسر و صباح

[illegible]

تختہ در چو مصرع ست گوار
 روضہ بہستان ارم حلیقہ و باغ
 پھل پر و بار قطعت و مرقہ
 اصل و بیخ و کند و چڑ میل ست
 گٹھلی خستہ را نواۃ بخوان
 آخر انجہام و عاقبت چہ آل
 پیاس ہنس تشنگی عطش خوانند
 طبق و تہاں خوران را جویند
 سالک دادان ادا و زبان خورش
 سوخ حل و جو از چہاں رواج
 گوئی و ماہی دان دُن و چشم
 تو بنو ماش مونک قلت شہر
 اور رانام مایش و حج میخوان
 ہچو حص نخود شناس چہاں
 ہچنین تو عین شناس پیر
 مرزا لہبوس چہاں کو
 ہونہ مشوی محض و ہریان

میں نے اپنے دوستوں کو بتایا کہ میں نے
اپنے دوستوں کو بتایا کہ میں نے
اپنے دوستوں کو بتایا کہ میں نے

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

در این کتاب که در این شهر
 در این شهر که در این کتاب
 در این شهر که در این کتاب
 در این شهر که در این کتاب

روغن زرد و کبودان و سمن
 نمک و ملح و نون را خوانند
 گوشت خرد و بقله احمد
 حایب شمشیر ستمی اسی پرفن
 پالک و اسفاناک و اسلاناخ
 حزنه و انب و عدو و معدیه
 بصل است و پیاز چه کاند
 لفت و شلغم چه سبزه و شلغم
 نام کاجر بود جز چه کاجر
 کمره و نهیا جلبلان کشینر
 و بول خاک و نری تراب رخام
 رمل و ریک بالو و ریت است
 جندل و عدو است و خرچهره
 جبل و طود و طور کوه و بهار
 چلی و باری است حرت سبک
 سقر است و حیم و دوزخ و نرگ
 جنت است و جهان بهشت چرک

تیل و دهن است چه سید روغن
 تره و بقله ساگ را دانند
 شربت و شلو و ست هند و سوبا
 فوم و لوم است سیر چه سمن
 چون کبک و وسیع چو به فراخ
 حوصل و بگین است باد و بخان
 ادربک و درخیل رطب ادا
 نخل مولی و ترب و تریده هم
 طشت و نیش نگاه و دیدار
 چه سودا کلوچه و شونیز
 طین و گل لای کچ کارا نام
 مرز و کشت و حرت چه کبیت
 همچو جلوه و سبک چه پاتر
 لوط سور و ریش چه حصار
 پنجر آخور و جهم فرشته ملک
 سبجه و نم و شعور و دانش درک
 بهر طایفه و ب و سر حال گرگ

در این شهر که در این کتاب
 در این شهر که در این کتاب
 در این شهر که در این کتاب
 در این شهر که در این کتاب

در این شهر که در این کتاب
 در این شهر که در این کتاب
 در این شهر که در این کتاب
 در این شهر که در این کتاب

در این شهر که در این کتاب
 در این شهر که در این کتاب
 در این شهر که در این کتاب
 در این شهر که در این کتاب

مجلس اول

[illegible]

و لکن در این کتاب از بعضی کلمات و عبارات که در این کتاب آمده است به شرح آنجا که میسر شود توضیح داده خواهد شد.

فاکه و میوه هندوی میوا
 تین ایند کسیری خوانی
 آبی و بهی سفر جل خوان
 صبر و استو که فارسی شکب
 چون بجز راتنج و اترج دان
 منتق و پسته را گویست
 خیره و شوخ و پسته رید لوند
 قلعه و در لب و گریه هم کوٹ
 شیر و شیر هم عصیه و طیب
 ایچو بطین خیره پزده کسیر پوز
 تشه و باد رنگ چه کسیر
 بهی لفظین و مریه پسته
 خیره عین خیره او لکی ست
 صفت جماعت النک و سته
 عدل انصاف و داد و ان نیاو
 دان کسیر و پرند سته چه طیر
 چیکارا چه فرست سته کلاغ
 دان پریو اکو تر سته حمام

11

جیت نام گریبان خست شدت در
غیب پدید آید اگر بارانست
خستین مرغ دین را میدان خست
طلب را دانی که خستین شدت
است خلعت و سیاحت بر لایح
بخت چرخ و سیاحت بر لایح
صبح شد آواز کردن صبح درانست
چو کشیدن از گریبان افتادن
شدن میان شما و صبح با این
بر پاشد چاه تر درون

[illegible]

این شعر در کتاب
نظمی است که در آنست
از سر قنداقی است
در این شعر
دانشمندان
پس بسیار
چهارم
فصل اول

الحمد لله الذي جعلنا من عباده المخلصين
والمخلصين من عباده المخلصين
والمخلصين من عباده المخلصين
والمخلصين من عباده المخلصين

فرخ چو زہ نرجش است ای کبر

هم قمری و هم فرج باشد ششم

1

ریمه شکند آن تبسمه امین سبزه
 غسل شد شستن عسل دان انگبین
 خط نامه خط لذت اسی جوان
 دان قلبس یکا پاره آتش از زکال
 خلد را دانی بهشت و جلد پرم
 قدر خسار است مداندازه خوان
 لبث در ترجمه خوانند شیر
 دان فقیر آمد گدای پاک نایل
 بغل است بر بل شود برای جوان
 دخل ضد خرج باشد دخل شار
 نفسان شد ذات دانش آمد نکا
 شرح پیکردن و نیز شرح خوان
 بعض اشیا می سفید است بعض
 عبط کذب است آفت آن عظم
 نمین کا وین اخی سزید
 خرب را به خوان گرده و حرب جنگ

هست صانع کارگر صنایع عباد
شد بری پاک و ثری خاک مین
حله ز یور رطله ضد همان
قتیس اخوانی ز اسماء الرجال
پس لبین شیرست زان پس لبین
سید و سید منجی و مهتر بدان
لیت باشد کاشک و دان لبش دیر
هم فقیر را باز پست نیست کیل
سرج سارین شرح مرادانی بیان
هست ظاهر پاک و ظاهر آشکار
نوم خواب و بوم را میسدان نهاد
برگندم بر جامه را به ان
نبض آن رگ هست کش بین طبیب
غین باشد از زان پس عین چشم
هست غافل گول عاقل مین پند
خار و رز کوه دانه عارنگ

تسبیح خیران
سقطان سقراط آن کوی
سقطانی غوغا باغی غفلت نشان
سقطه جوی و قسط عدل
روغنی سازندگی و قسط
خود را بشان زمین گم و صحرای
تسبیح خیران آن آزاد و آزادان

حسرت گر ما پس مرا و آمد مرام
طور آنم کوه و در آمد سراسر
اصل بنج و نار آتش گرم حار

۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

از پس حمد خداوند زین و آسمان
و خط است یک لفظ خود هر لغت حاصل شود
ای در کتابت ۱۲
زبان آن پروردگار و یک پر جمعی خلق
بسیار است اسب نیک باشد لغت
چون اگر در چشم و نیز منع از کارها
منقر کرمی در شکم نیست خالی از عذ
ان سلام است بحیث کند طالع آمد سلام
ان کلام از قویها و از اجزای اجتهاد کلام

۱۷

موه جی مردان موه یل باروت
 موه قوت در هست ایمان در دانش
 موه یل باروت در قوراس بر بلبلان
 موه کون روشنی چشم الصالحین
 موه یکبارست و موه قوت اندر دستان
 موه باشد زه اسم قبیلہ ام بدان
 موه شاربست نهرو الوب برب
 موه یل باروت

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

له بلغم ظرفی باشد بزرگ که در آن آب شرب و شل آن کنند ۱۲

عالمی صنعت	
ع	ع
جسم	عربی یا فارسی
ن	فارسی
ح	عرب
فہم	فارسی یا عربی
ش	عربی یا فارسی
عب	عربی یا فارسی

و اسے سزا دی کہ اگر کیا کسی کو
سطح کی یہ دو سطحیں ہیں کہ ان کو

